

# نگاهی به جوایز سینمایی هالیوود



THE ARTIST

فیلم‌ها بر اساس دو گروه فیلم‌های درام و کمدی و موزیکال به عنوان بهترین فیلم‌های سال انتخاب می‌کنند، اغلب به هنرپیشه‌ها و کارگردان‌های سرشناس و محبوب آمریکائی توجه دارد تا به فیلم‌های غیرمتعارف و برجسته‌ای که در سال ساخته می‌شوند.

در گروه فیلم‌های کمدی و موزیکال فیلم «هنرمند» با نامزدی در شش طبقه بندی که شامل بهترین فیلم سال نیز می‌شود، در صدر فهرست نامزدهای جوایز گلدن گلوب قرار گرفته، فیلم‌های «بازماندگان» الکساندر پین و «کمک» هر دو با نامزدی در پنج و شصت، در رده دوم فهرست جوایز گلدن گلوب قرار گرفتند.

در بخش فیلم‌های درام، که شش فیلم انتخاب شده‌اند، فیلم‌های «هوگو»، «مانیال»، «بازماندگان»، «نیمه مارچ»، «اسب کارزار» و «کمک» به عنوان بهترین فیلم‌های درام شناخته شده‌اند در حالی که در گروه فیلم‌های کمدی و موزیکال فیلم‌های «هنرمند»، «۵۰/۵۰»، «ساقدوش‌ها»، «نیمه شب در پاریس»، و «هفته من با

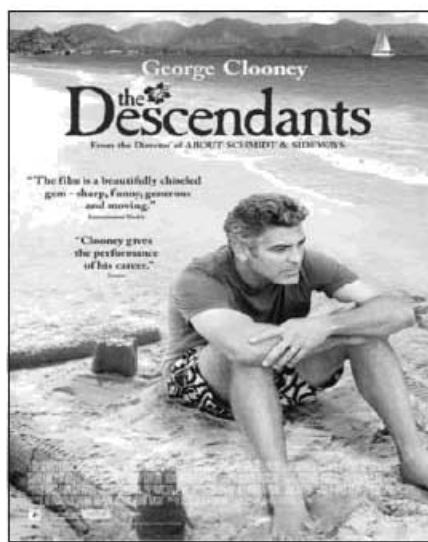
جهان  
ادب  
و  
هنر

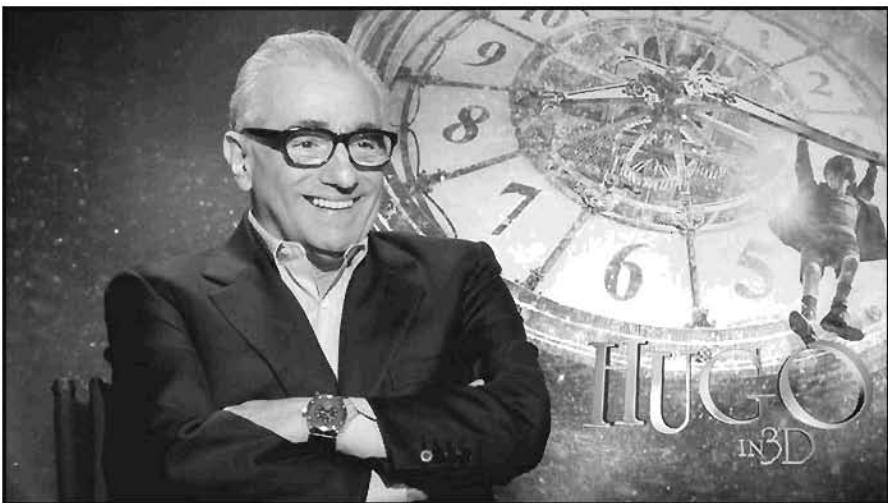


جوایز سینمایی هالیوود هر سال با جوایز «هیأت ملی بورسی فیلم» در اوایل ماه دسامبر آغاز می‌شد و با جوایز اسکار در اواخر ماه فوریه سال بعد پایان می‌گرفت. اما امسال انجمن متقدان نیویورک تاریخ اعلام جوایز خود را از اواسط ماه دسامبر به اوخر ماه نوامبر سال جاری تغییر داد. این انجمن، فیلم «هنرمند» (THE ARTIST) را به عنوان بهترین فیلم سال شناخت در حالی

که یک هفته بعد، «هیأت ملی بورسی فیلم»، فیلم «هوگو» (HUGO) را به عنوان بهترین فیلم سال برگزید و مارتن اسکورسیسی را بهترین کارگردان سال شناخت و بدین کونه، هر نوع پیش‌بینی بواز پونده قطعی جایزه بهترین فیلم سال اسکار را پیچیده نمود. انجه در این میان تعجب اورت بود انتخاب فیلم «جدائی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی به عنوان بهترین فیلم خارجی سال از سوی این دو گروه بود.

الجمعن متقدان نس انجمن نیز فیلم «بازماندگان» الکساندر پین را که فیلم ساده‌ای طنزآمیز استه به عنوان بهترین فیلم سال انتخاب کرد ولی ستاریو فیلم «جدائی نادر از سیمین» را به عنوان بهترین ستاریو برگزید که از هر جهت غیرمنتظره بود. جایزه بهترین کارگردان از سوی این انجمن به تنسی مالیک کارگردان فیلم «درخت زندگی» تعلق گرفت. مالیک از فیلمسازان منزوی و غیرمتعارف هالیوود است و چندان سو سازگاری با سیستم فیلمسازی هالیوود





برترتد، شاتس زیادی برای بردن جایزه «گل های جنگ» ساخته ژانگ بیموم، «سرزمین خون و عسل» ساخته انجلینا جولی، «پسری با دوچرخه» ساخته برادران داردن، و «پوستی که در آن زندگی من کنم» ساخته پدرو آلمادوار، در رقابت نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی است. مراسم جوایز گلدن گلوب در شانزدهم ماه ژانویه سال ۲۰۱۲ از تلویزیون های سواسی امریکا پخش بیشتر گردد است. این فیلم با

بهترین فیلم سال را دارند. مارتین اسکورسیس نیز بعيد نیست که جایزه بهترین کارگردان سال را از آن خود کند. با این حال، در بخش نامزدهای بهترین فیلم خارجی سال به «جدائی نادر از سیمین» که شاتس او را برای نامزدی جوایز اسکار در این بخش خواهد شد.

ماریلین» به عنوان بهترین فیلم های کمدی و موزیکال برگزیده شده اند. این گروه خبرنگاران خارجی هالیوود، مارتن اسکورسیس، وودی ان، جورج کلونی، الکساندر پین، میشل هازاناویسیوس را نامزد بهترین کارگردان های سال کرده اند در حالی که استیون اسپلبرگ را، برخلاف آنکه فیلمش، «اسب کارزار»، را به عنوان بهترین فیلم سال برگزیده اند، او را بکلی در این بخش نادیده گرفتند. از سوی دیگر، گروه لتوناردو کاپریو را برای بازی چشمگیرش در فیلم «جن ادگار» به عنوان بهترین بازیگر مرد در نقش اول انتخاب کرده اند، ولی فیلم کلینت ایستوود را در هیچ بخش اصلی مورد توجه قرار ندادند.

دو فیلم «هوگو» از گروه فیلم های درام و «هنرمند» از گروه فیلم های کمدی و موزیکال که هر دو از نظر تصویری و پرداخت سینمایی از فیلم های دیگر

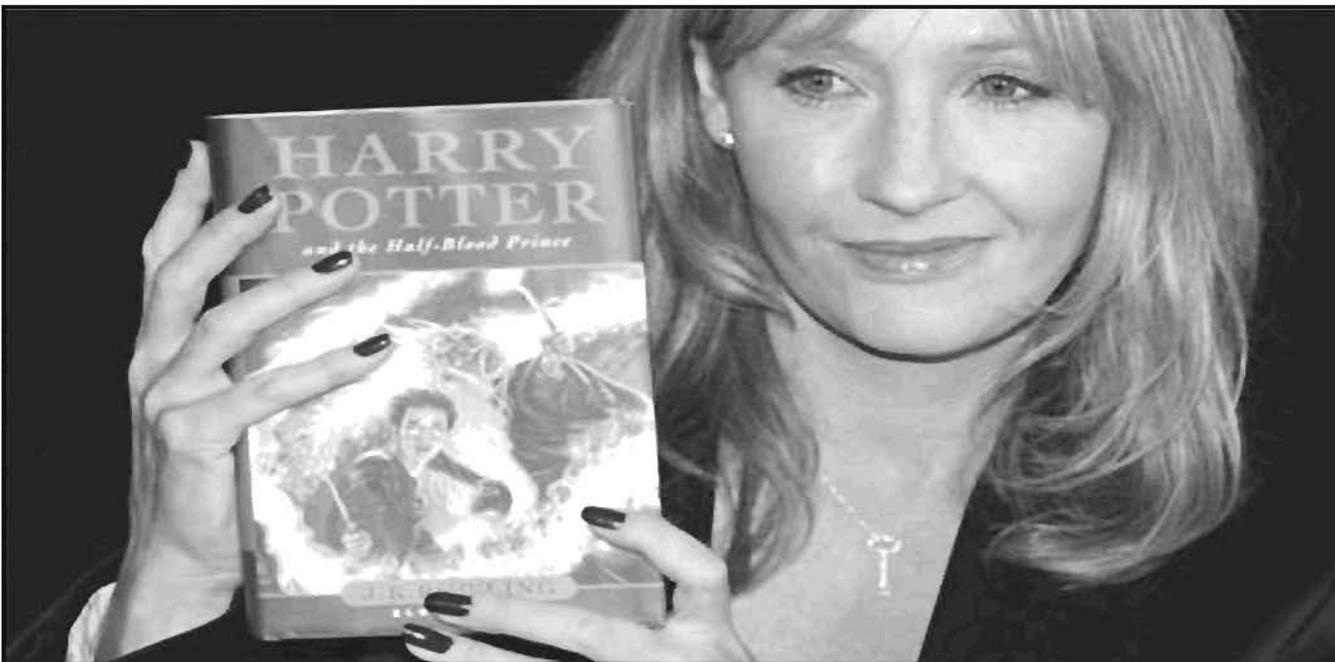
## آگاتا کریستی: یک خودزنندگینامه



و شفقتی شخصیتی را می پروراند، پیرنگی پیچیده به وجود می آورد و زوایای تاریک و اعماق روح آدمی را روشن می کند. او به داستان گوئی به زبانی ساده اعتقاد داشت و هرگز رمان هایش را با تشبیهات و نمادها و اطلاعات پیچیده و معماگونه نمی ایناشت. با این حال، هستندگانی که هنر او را دست کم می گیرند و او را تنها به عنوان نویسنده رمان های پروفروش اما کم اهمیت گنجانی می شناسند. تودید نیست که همه آثار کریستی را نمی توان از شاهکارهای ژانر ادبیات گنجانی بر شمرد ولی نباید از یاد برد که او هنوز هم در صدر فهرست نویسنده‌گان بزرگ رمان های گنجانی قرار دارد.

آثارش به شهرت عظیم دست یابد. کریستی در دوران ازدواجش با ماکس مالووان، باستان شناس، به همان اندازه روی حفاری های گوناگون کار کرد که روی رمان هایش وقت می گذاشت. تأثیر این همکاری او با همسرش در رمان «مرگ به مثابه پایان فرا می رسد» محسوس و اشکار است. کریستی در جملاتی کوتاه با مهارت

کتاب «آگاتا کریستی: یک خودزنندگینامه» که اخیراً از سوی انتشارات هاربر با مقدمه ای از نوه اش، و در پانصد و سی و دو صفحه چاپ و منتشر شده است، یکی از قطورترین نوشته های کریستی است. این کتاب نه فقط زندگینامه یک نویسنده، بلکه زندگینامه یک زن نیز هست که حتی در کودکی برای بچه گریه های باغی که در آن خاتواده اش زندگی می کود، داستان می گفت. داستان گوئی یکی از خصوصیات زندگی کریستی است که توانست از ورای آن دو جنگ خانمان برانداز، جهانی را پشت سر گذارد و جان سالم از مهلهکه بدر برد و با دو بار ازدواج، باز زندگی شیرینی را بگذراند. و مهمتر از همه، با نوشتمن



## هری پاتر و دزد تخیل

خواننده همه چیز را زیر سر انگشتان خود دارد. وظیفه او به عنوان یک خواننده کتاب، بکار بردن تخیل خود و تحلیل اثری است که نویسنده در کتاب خود نوشته است. برای برداشت از هر اثر ادبی، آنچه نویسنده درباره اثرش می‌گوید مهم نیست. مهم این است که در اثرش چه می‌گوید و خواننده چگونه آن را تفسیر می‌کند. رولینگ می‌تواند به ما بگوید که شخصیت‌های داستان هایش پس از پایان آخرین بخش آن در آینده چه خواهد کرد و اهمیت عصای جادوگری در چیست، اما اگر این نکات در رمان هایش نیامده باشد ما از ادانه می‌توانیم با او مخالفت کنیم و به هر شکلی که بخواهیم از آنچه در نوشته هایش آمده، برداشت کنیم.

رولینگ، اما، مصمم است که خود را به عنوان منبع بی‌پایان حقایق خارج از متن دنیای هری پاتر تلقی کند و این کار او مانع از گسترش تخیل خواننده می‌شود. ممکن است بعضی از خوانندهان، دامبلدور

سری رمان هری پاتر مبهم باشد و از هر توضیحی خودداری کند. با این حال، هر وقت که مصاحبه می‌کند جزئیات چگونگی زندگی شخصیت‌های اصلی یا فرعی رمان خود را پس از پایان آن مورد بحث قرار می‌دهد. شاید بیش از هر شخصیت دیگری، رولینگ در سال ۲۰۰۷ به پروفسور آلبوس دامبلدور دنیس هوگارت پرداخت و اعلام کرد که او همچنان طلب است!

هری پاتر در این است که علاقه مندان و خوانندهان هری پاتر فرصت این را دارند که پیشینه های تاریخی شخصیت هری پاتر را فرا گیرند و به دنیای شگفت انگیز پسرگ خواندن، امکانات نامحدودی است که برای خواننده بوجود می‌آید تا با پرواز بر بال های تخیل خود به قلمروهای ناشناخته هستی دست یابد و از چنین قدرتی در حل مسائل و دشواری های واقعیت های تلغیت زندگی بر آید. خواننده نیازی به این ندارد که بداند دزدمونا خواهرانی داشته است یا نه و یا چه اتفاقی برای فرزند لیدی مکبٹ افتاده است، تا کتابی را که پیش رو دارد درک کند.

این اولین باری نیست که رولینگ اطلاعات تازه ای راجع به شخصیت های مشهور رمان خود در اختیار خوانندهان قرار می‌دهد. وی گفته است که می‌خواهد بخش پایانی آخرین

براستی، هیچ کس نمی داند. و این جزوی از تفکن و تخیل خواننده است. زیرا از هر منظری که به آن بنتگریم با نمایشنامه بسیار متفاوتی رویرو می شویم.

با این همه، اگر شکسپیر سر از گور بدر می آورد و من گفت همه اینها از تخیل هملت مایه می گیرد، آنوقت چه اتفاقی روی من داد؟ بسیاری از سجایای این نمایشنامه برای ما از دست من رفت مگر اینکه به یاد داشته باشیم که ما خواننده این نمایشنامه ایم، و دیدگاه ماست که مهم است نه آنچه که شکسپیر فکر می کند!

با این حال، باید گفت که خواننده صرفًا به چیزی پیش از تخیل و تحلیل نیازمند است. آثاری که در او را راه و اعتماد به نفس نسبت به خوانش خود برانگیزد و به اطلاعات سطحی توجهی نکند. شبیحی که در نمایشنامه «هملت» شکسپیر ظاهر می شود را در نظر بگیرید. چیز زیادی درباره او نمی دانیم. آیا داستانی که به هملت گوید - که او روح پدر به قتل رسیده هملت است و باید انتقامش گرفته شود - حقیقت دارد؟ او آیا شبیح است که از دوزخ فرستاده شده است تا هملت را در دام ارتکاب قتلی غیر عادی بیندازد؟ یا فقط زاده توهم و تخیل هملت است؟

را همچنان طلب یافته باشند، بعضی دیگر او را شخصیتی عجیب و غریب بشناسند و عده ای دیگر او را بدون هویت جنسی خاص بدانند. همه این بروداشت‌ها من تواند درست باشد اما رویینگ با انتشار اطلاعات پس از پایان رمان‌های خود، این امکانات را برای خواننده آثار خود محدود کرده است. رویینگ ممکن است در سایت خود تجربه ای خیال انگیز برای بازدیدکنندگان به وجود آورده باشد ولی این، در واقع، از تحلیل رویینگ مایه می گیرد نه از تخیل بازدیدکنندگان وب سایتش. این قضیه نقش بازدیدکنندگان را بیشتر منفلع می کند، نه خلاق!

## برندگان جایزه ملی کتاب



جوانان را، تانها لاتی، یک ویتنامی، برای کتاب *Inside Out and Back Again* خود گرد. وی که در کالیفرنیا زندگی می کرد و برای روزنامه اونچ کانتی و جیستر مقاله می نوشت، اکنون در نیویورک بسر می برد و سرگرم نوشن کتاب های دیگری برای جوانان است.

جایزه ملی کتاب همچنین به فعالیت های ادبی در خدمت به جامعه ادبی نیز اهداء می شود که این جایزه امسال به میشل کاپلن، که صاحب یک کتابفروشی در فلوریدا است و جشنواره های کتاب را اغلب اداره می کند، تعلق گرفت.

و در شهر دلیسل بسر می برد وارد این شهر را الهامبخش رمان های خود می داند و معتقد است که در زمان خود برآن بوده تا تجربه های زندگی تهییدستان، سیاهپوستان و روسستانیان جنوب را ترسیم کند بطوطری که آمریکانیان سفید پوست که دیر زمانی است بر آنها به دیده حقارت می نگرند، بدانند که داستان های ما نیز داستان هایی است همگانی و زندگی ما نیز مثل زندگی آنها مهم و دوست داشتنی است.

جایزه ملی کتاب برای اثربخشی داستانی به استفن گرین بلت برای کتاب *The Swerve: How The World Became Modern* اهداء شد. جایزه ملی کتاب برای ادبیات

امسال برخلاف انتظار، جایزه ملی کتاب برای بهترین داستان به جسمین وارد، نویسنده سیاهپوست آمریکائی برای دومن رمانش موسوم به *Salvage the Bones* تعلق گرفت. حوادث این رمان در زمان طوفان کاترینا روی می دهد. بنیاد جایزه ملی کتاب که هر سال این جوایز را به برندگان اهداء می کند، دو جایزه اصلی خود را به دو زن سیاهپوست اختصاص داد. نیکی فینی نیز جایزه ملی کتاب در زمینه شعر را از آن خود کرد.

جایزه دست آورد یک عمر این بنیاد که مدلی است برای خدمات برجسته به ادبیات آمریکا، به شاعر هشتاد و چهار ساله آمریکائی، جان اشبری اختصاص یافت. اشبری در سخنان خود گفت از زمان شاعری تا امروز، متأسفانه جذابیت شعر خوب برای مردم از دست رفته است.

نیکی فینی که این جایزه را برای کتاب *Head Off & Split* دریافت کرد، در لکسینگتون زندگی و تدریس می کند. جسمین وارد نیز اهل جنوب است

# جایزه افتخاری اتحادیه تهیه کنندگان آمریکا به انجلینا جولی



Celeb Daily  
CelebDaily.12.wordpress.com

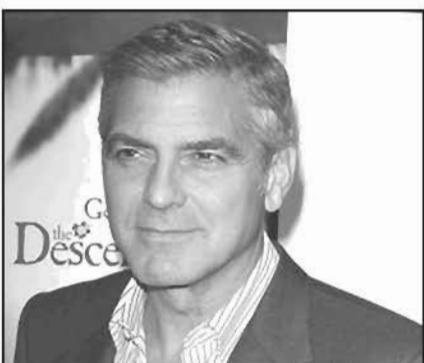
به طرح مسائل اجتماعی جامعه آمریکانی می شود که در آن به مسائل اجتماعی پرداخت. فیلم «هتل راوندا» و «حقیقت تلغیت» در دو سال گذشته به دریافت این جایزه نائل آمدند.

اهداء می شود که در آن به مسائل اجتماعی پردازد. کریم مریمیکی از فیلمسازان بر جسته آمریکانی بود که فیلم هائی نظری «حدس بزن چه کسی به شام می آید» و «میراث باد» و ... را ساخت و همیشه در فیلم های خود

جایزه افتخاری اتحادیه تهیه کنندگان آمریکا به انجلینا جولی هنرپیشه سوشناس آمریکانی، برای ساختن فیلم «بوسنی: سوزمین خون و عسل» تعلق خواهد گرفت. «دو سوزمین خون و عسل»، اکتبر سال ۲۰۱۰ در شرق اروپا فیلمبرداری شده و داستان یک مرد جوان صرب (با بازی کوران کوستیچ) و دختری مسلمان اهل بوسنی (با بازی زانا مرجانوویچ) است که در بحبوحه جنگ خونین قومی سال ۱۹۹۲ که یوگسلاوی سابق را به آتش کشاند، عاشق هم می شوند.

این فیلم، اولین فیلم سینمایی انجلینا جولی است که خود آن را نوشته، تهیه و کارگردانی کرده است.

این جایزه از سوی بنیاد استقلیل کریم در سال ۲۰۰۲ به وجود آمد و هر سال به فیلم



جورج کلونی با استفاده از قدرت و شهرت خود به عنوان یکی از هنرپیشه های بر جسته سینما و تئاتر آمریکا، حمایت خود را از نمایشنامه «هشت» با روحوانی آن در لس آنجلس اعلام کرده است. این نمایشنامه را که داستین لنس بلک، برنده جایزه اسکار، نوشته است قرار است در سوم ماه مارچ سال ۲۰۱۲ به وسیله جورج کلونی در تئاتر ایبل ویلشر روحوانی شود.

این نمایشنامه بر اساس تحقیق پرونده ها و نوشتہ های مربوط به شکایت «پری علیه شوائزنگر» در سال ۲۰۱۰ نوشته شده است. دادگاه در آن زمان پس از رسیدگی به این شکایت حکم غیر قانونی بودن طرح پیشنهادی «هشت» را صادر کرد. منوعیت قانونی این طرح که بر اساس ازدواج یک زوج همجنس باز در ایالت کالیفرنیا به رأی عمومی گذاشته شده بود، جنجال بسیاری برانگیخت. عده ای از طرفداران این لایحه بالا قابل تقدیم فرجام کردند ولی این قضیه هنوز به صورت قانونی حل نشده است.

نمایشنامه «هشت» به منظور دفاع از حقوق و آزادی های شهروندان آمریکانی نوشته شده است و از سوی «بنیاد آمریکانی برای تساوی حقوق مدنی» به روی صحنه در ایالات مختلف آمریکا اجرا خواهد شد تا درآمد آن صرف مخارج قانونی دفاع از این لایحه شود.

جورج کلونی اولین هنرپیشه نیست که حمایت خود را از این نمایشنامه اعلام کرده است و بیشتر، دیگر هنرپیشگان آزادیخواه آمریکانی نیز از حمایت او پیروی خواهند کرد.

۲۰  
و سالهای  
نیازمند  
روج کلونی  
نمایشنامه هشت